فصلنامه‌ی مطالعات توسعه‌ی اجتماعی- فرهنگی، دوره‌ی چهارم، شماره‌ی ۳، زمستان ۹٤، صفحات ۳۹-۵۸

تحلیل جامعه‌شناختی عوامل مؤثّر بر میزان مشارکت مردم در ساخت فضاهای آموزشی

ابراهیم صالحی عمران[۱]، سودابه حسن‌زاده بارانی کرد[۲]

تاریخ دریافت: ۱۳۹٤/۰۲/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹٤/۰۹/۱۰

چکیده

نظام اجتماعی و حیات سیاسی جامعه‌ی بشری به تعاون و مشارکت اعضای آن بستگی دارد و این امر از طریق همیاری‌های مردمی استوار می‌گردد. آموزش و پرورش به‌عنوان نظامی اجتماعی نیازمند مشارکت و همکاری همه‌ی مردم است. این نظام بدون مشارکت مؤثّر مردم در ابعاد مختلف آن، نمی‌تواند فرایند تعلیم و تربیت را به‌خوبی عملی سازد. پژوهش حاضر به شکل توصیفی و با هدف بررسی دلایل مشارکت و همیاری مردم در توسعه‌ی فضاهای آموزشی استان مازندران انجام شده و نمونه‌ی آماری آن، تعداد ٤۹۱ نفر از کلیّه‌ی خیّرین مدرسه‌ساز، مدیران، کارشناسان مسؤول و کارشناسان مرتبط با فعّالیّت مدرسه‌سازی در سطح استان مازندران در سال ۱۳۹۲ بوده است. محاسبه‌ی بهینه‌ی حجم نمونه‌ی نهایی بر اساس روش نمونه‌گیری بدون چارچوب و با استفاده از فرمول فاصله‌ی اطمینان صورت گرفته و برای گردآوری اطّلاعات از پرسش‌نامه‌ی محقّق‌ساخته استفاده شده است. در بخش آمار توصیفی از جداول توزیع فراوانی، درصد فراوانی و ترسیم نموداری، و در بخش استنباطی برای بهره‌گیری از داده‌های حاصل از نمونه و مشخّص کردن معنی‌دار تفاوت‌های آماری بین نظرات، از آزمون‌های دوجمله‌ای و فریدمن استفاده گردیده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد دلایل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بر مشارکت و همیاری مردم در توسعه‌ی فضاهای آموزشی مؤثّر است، ولی نتایج آزمون رتبه‌بندی به ترتیب حاکی از اولویّت بعد فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی در مشارکت بوده است.

واژه‌های کلیدی: مشارکت، فضاهای آموزشی، جامعه‌شناختی.

[۱] استاد گروه علوم تربیتی دانشگاه مازندران(نویسنده‌ی مسؤول) edpes60@hotmail.com

[۲] دانشجوی دکتری رشته‌ی برنامه‌ریزی توسعه‌ی آموزش عالی پردیس دانشگاه شهید بهشتی s.hasanzadehbarani@gmail.com

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

مقدّمه و بیان مسأله

یکی از مهم‌ترین عواملی که به تداوم حیات بشر کمک کرده، همکاری و مشارکت میان انسان‌هاست. از منظر جامعه‌شناسی، مشارکت به‌عنوان فرایند تعاملی چندسویه مطرح می‌شود که مداخله و نظارت مردم و قابلیّت سیاسی- اجتماعی نظام را در دست‌یابی به توسعه، همراه با عدالت اجتماعی در پی خواهد داشت. بنیادی‌ترین اندیشه‌ی زیرساز مشارکت، پذیرش اصل برابری مردم و هدف از آن نیز هم‌فکری، همکاری و تشریک مساعی افراد برای بهبود کمّیّت و کیفیّت زندگی در همه‌ی زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است. مشارکت در فراگرد توانمندسازی افراد جامعه، بر سه ارزش بنیادی سهیم کردن مردم در قدرت، راه دادن مردم به نظارت بر سرنوشت خویش و بازگشودن فرصت‌های پیشرفت به روی مردم تأکید دارد (طوسی، ۱۳۷۹ :۵). مشارکت را نوعی کنش هدفمند در فرایند تعاملی بین کنش‌گر و محیط اجتماعی او برای نیل به اهداف معیّن و از پیش تعیین‌شده تعریف کرده‌اند؛ فرایندی که افراد جامعه به صورت آگاهانه، داوطلبانه و جمعی با در نظر داشتن اهداف معیّن و مشخّصی که منجر به سهیم شدن آن‌ها در منابع اجتماعی می‌شود، در آن شرکت می‌کنند (غفّاری، ۱۳۸٦: ٤۲).

پدیده‌ی مشارکت اجتماعی یکی از مهم‌ترین ابعاد توسعه‌ی اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی در هر جامعه به‌ویژه در جامعه‌ی رو به رشد ایران است. برخی از مشکلات ساختاری و عملکرد برنامه‌های توسعه ناشی از نارسایی‌های این حوزه است. در این میان، آن چه بر مسائل موجود می‌افزاید، این است که نه مفهوم مشارکت و ابعاد آن در کشور ما به‌خوبی تعریف شده و نه عوامل تقویت‌کننده یا در طیف دیگر تضعیف‌کننده‌ی آن موضوع، مورد بررسی جدّی قرار گرفته است (محسنی، ۱۳۸۲: ۱۱). در جامعه‌ای مانند ایران، خدماتی که دولت ارائه می‌دهد، غالباً توسّط برنامه‌ریزانی در سطوح مرکزی تهیّه می‌شود که معمولاً آشنایی چندانی با نیازهای واقعی شهروندان ذی‌نفع ندارند. طرح‌هایی مانند طرح جامع و تفصیلی و ... به صورت متمرکز طرّاحی شده و تفاوت‌های اجتماعی و فرهنگی را در نظر نگرفته‌اند. از این رو نتیجه‌ی آن، عدم تناسب بین نیازها و خدمات، کاهش بهره‌وری و در پی آن، اتلاف منابع بوده است. امروزه در سطح جهانی، رویکرد «مشارکت‌محوری» در برنامه‌های مدیریّت اجتماعی و شهری تقویت شده است. اهمّیّت یافتن نقش مردم در اداره‌ی امور زندگی اجتماعی خود، درس گرفتن از تجارب و روندهای توسعه‌ی شهری در دهه‌های گذشته، لزوم انطباق طرح‌ها و الگوهای برنامه‌ریزی با نیازها و خواست‌های مردم، عدم

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

توانایی مالی دولت‌ها در نوسازی و بهسازی امور، پیچیدگی فزاینده‌ی زندگی شهری و تنوّع فرهنگی شهروندان، در تقویت رویکرد مشارکت‌محوری مؤثّر بوده‌اند.

با توجّه به این مقدّمه، موضوع مورد نظر این تحقیق، مشارکت مردم در توسعه‌ی فضاهای آموزشی است. قاسمی پویا (۱۳۸۰) در پژوهش خود راه‌های تقویت فرهنگ مشارکت مردم در آموزش و پرورش را از سه طریق به شرح زیر نشان داده است:

الف) آگاه‌سازی عوامل و عناصر آموزش و پرورش از جمله آگاه‌سازی از طریق مدیران، معلّمان، دانش‌آموزان، کتاب‌های درسی و تشکیلات اداری و ستادی.

ب) آگاه‌سازی از طریق عوامل خارج از آموزش و پرورش از جمله اختصاص برنامه‌ی خاص در صدا و سیما، فعّال کردن رسانه‌های گروهی، دولت‌مردان و نمایندگان مجلس و نیز مطرح کردن اهمّیّت و ضرورت مشارکت‌های مردمی در نماز جمعه.

ج) آگاه‌سازی از طریق پژوهش‌ها، تشویق و ترغیب مشارکت کارکنان و برنامه‌ریزی برای نهادینه کردن جلب مشارکت‌ها.

نظام اجتماعی و حیات سیاسی جامعه‌ی بشری به تعاون و مشارکت اعضای آن بستگی دارد و این امر از طریق همیاری مردمی استوار می‌گردد. آموزش و پرورش به‌عنوان مهم‌ترین نظام اجتماعی، نیازمند مشارکت و همکاری همه‌ی اجزای آن است. آموزش و پرورش ایران نیز با توجّه به جمعیّت دانش‌آموزی آن، همواره با کمبود کمّی و کیفی فضاهای آموزشی روبرو بوده است. از این رو، موضوع مشارکت مردم در ساخت مدارس همیشه به‌عنوان موضوعی پژوهشی مطرح بوده و به‌ویژه شناسایی عوامل جامعه‌شناختی میزان مشارکت مردم در ساخت فضاهای آموزشی، همواره مسأله‌ای اساسی است.

چارچوب نظری

مبنای نظری این تحقیق بر نظریّه‌های مختلف جامعه‌شناسی و روان‌شناسی اجتماعی بنا شده است؛ به‌عنوان نمونه، لرنر[1] در نظریّه‌ی نوسازی خود با تکیه بر چهار متغیّر شهرنشینی، سواد، دسترسی به رسانه‌ها و مشارکت، این عوامل را به یکدیگر وابسته می‌داند و معتقد است هرچه از شخصیّت سنّتی به سمت شخصیّت مدرن حرکت کنیم، هم‌بستگی این چهار متغیّر افزایش می‌یابد. روند رو به تزاید شهرنشینی، افزایش سواد را در پی داشته و به تبع آن، موجب افزایش میزان ارتباط با رسانه‌ها و در نهایت، تقویت مشارکت شده است. بنابراین به عقیده‌ی لرنر جامعه‌ی

[1] Lerner

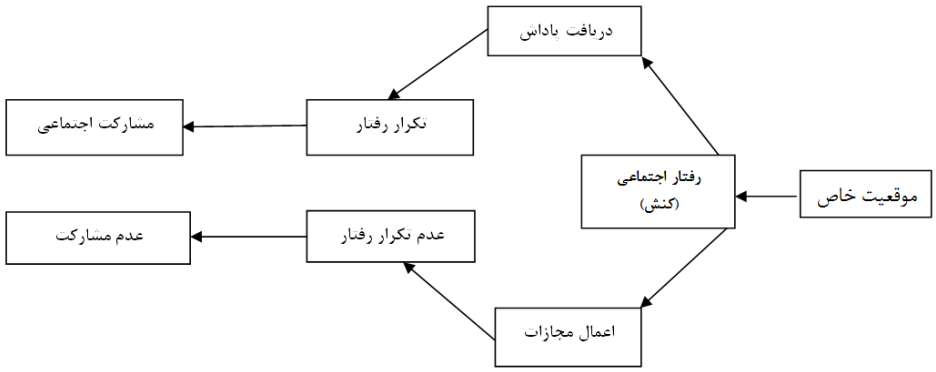
[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

جدید، جامعه‌ی مشارکتی است و فراگرد نوسازی حرکت از جامعه‌ی سنّتی به جامعه‌ی مشارکتی است (غفّاری و نیازی ١٣٨٦: ٥٠). گائوتری[1] نیز برای ایجاد بسترسازی‌های مناسب در جهت مشارکت مردم، حداقل چهار شرط عمده را لازم می‌داند. این شروط عبارتند از: ایدئولوژی مشارکت (بعد هنجاری)، نهادهای مشارکتی (بعد سازمانی)، اطّلاعات کافی و امکانات مادی و تخصّصی لازم. به عقیده‌ی گائوتری، وجود این شروط به نهادینه کردن و تثبیت فرایند مشارکت در جامعه منجر می‌شود (پناهی، ١٣٨٣: ٧٥).

آلموند و پاول[2] ضمن تأکید بر تحصیلات، درآمد و رتبه‌ی شغلی افراد در تعیین پایگاه اقتصادی و اجتماعی آنان، معتقدند که شهروندان تحصیل‌کرده، ثروتمند و بهره‌مند از مهارت‌های حرفه‌ای بالاتر، بیش‌تر ممکن است واجد ایستارهای مشارکت‌جویانه باشند. کولین[3]، جامعه‌شناس توسعه‌گرا، توسعه را برآمده از ساختار اجتماعی می‌داند و بر آمادگی ذهنی و وجود انگیزه‌های شخصی برای تحقّق مشارکت و توسعه تأکید می‌ورزد. مشارکت موثّر مستلزم وجود انگیزه‌های شخصی است؛ به عبارت دیگر، مشارکت پیش از آن که نمود عینی بیابد، پدیده‌ای ذهنی است که باید آن را در افکار، عقاید، رفتار و فرهنگ مردم جستجو کرد. بنابراین برای درونی‌سازی فرهنگ مشارکت باید بسیاری از قالب‌های پیش‌ساخته‌ی ذهنی را دگرگون کرد و این امر بدون کار فرهنگی میسّر نمی‌شود (وطنی، ١٣٨٦: ٣٢). پارسونز عوامل مؤثّر بر مشارکت اجتماعی را فرهنگ (ارزش‌ها و هنجارها)، نظام اعتقادی، تمایلات نیازی و اجتماعی کردن افراد می‌داند (رضادولت و همکاران، ١٣٨٨). هومز نیز مراحل مشارکت را در نمودار زیر نشان داده است:

[1] Gotri
[2] Almond and Powel
[3] Colin

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]



شکل شماره‌ی یک- مراحل مشارکت اجتماعی هومز

(منبع: ریتزر، ۱۳۷۵: ٤۱۲)

از دیدگاه روان‌شناسان اجتماعی، مشارکت افراد در جامعه برآیند ارتباط متقابل عوامل اجتماعی و روان‌شناختی است. در این راستا به نظر سیمن[1]، ساختار بوروکراسی جامعه‌ی مدرن شرایطی را ایجاد کرده است که در آن از یک‌سو انسان‌ها نمی‌توانند علاقه و نتایج اعمال و رفتار خود را کنترل کنند و از سوی دیگر، کنترل جمعی و سیستم پاداش اجتماعی نیز به گونه‌ای است که فرد بین رفتار خود و پاداش حاصل از جامعه، نمی‌تواند ارتباطی برقرار کند. در چنین شرایطی احساس انفعال و بیگانگی بر فرد مستولی می‌شود و او را به کنش منفعل و ناسازگار در قبال جامعه سوق می‌دهد (محسنی تبریزی، ۱۳۷۵: ۹۷).

سیلز[2] از منظر روان‌شناختی– اجتماعی در پی بیان عوامل اثرگذار بر مشارکت است. به نظر وی، افراد در بطن نیروهای اجتماعی (منزلت، تعلیم، تربیت، مذهب و ...) احاطه شده‌اند. سیلز معتقد است سردسته‌ی متغیّر نیروهای اجتماعی، تفاوت‌های شخصیّتی و محیط‌های اجتماعی به‌شدّت با هم مرتبط هستند و با یکدیگر آمیخته شده‌اند و هر تغییری در هریک از آن‌ها، مشارکت را کاهش یا افزایش می‌دهد. بنابراین تحلیلی که صرفاً مبتنی بر یکی از آن‌ها باشد، گمراه‌کننده و ناقص است (محسنی تبریزی، ۱۳٦۹: ۱۲).

مفهوم دیگر جامعه‌شناختی که می‌تواند در تحلیل مشارکت مردم در توسعه‌ی فضاهای آموزشی مدّنظر قرار گیرد، مفهوم اعتماد و سرمایه‌ی اجتماعی است. اعتماد عاملی کلیدی برای مشارکت

[1] Seeman
[2] Slize

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

شهروندان است؛ به‌گونه‌ای که نبودِ آن موجب کاهش موفّقیّت در فرایند ایجاد تغییرات برای بهبود مشارکت مردمی در تهیّه و اجرای طرح‌ها می‌شود. هم‌چنین باید به شهروندان درباره‌ی بهره‌های ناشی از حضور در طرح‌ها آگاهی داده شود؛ به‌طوری که این احساس در آن‌ها ایجاد گردد که حرف‌هایشان مورد توجّه قرار می‌گیرد و می‌توانند نقش مهمّی در طرح‌ها داشته باشند. انعکاس خواسته‌های شهروندان در زمینه‌های مختلف - و نه در یک قالب خاص- حسّ اعتماد را در آنان افزایش می‌دهد. در مقابل، بی‌اعتمادی به معنای داشتن نوعی روحیّه‌ی سوءظن و بدبینی توأم با عدم اطمینان و همراه با شک نسبت به کسانی است که فرد در ارتباطات متقابل، مستمر و روزمرّه با آنان است (محسنی تبریزی، ۱۳۷۵: ۲۳).

در مجموع، در بررسی دیدگاه‌ها و نظریّه‌های مشارکت، دو رویکرد عمده یعنی نگرش خُرد و کلان را می‌توان بازشناخت. در سطح خرد بر انگیزه، گرایش و رفتار مشارکتی تأکید می‌شود و در سطح کلان نیز زمینه‌ها، شرایط و عناصر ساختاری مورد توجّه قرار می‌گیرند (ریتزر، ۱۳۷۳). کنش مشارکتی به دو بخش ذهنی و رفتاری تقسیم شده است که بخش ذهنی، تمایلات و گرایش‌های فردی را دربرمی‌گیرد و بخش رفتاری، انجام فعّالیّت‌های داوطلبانه‌ی جمعی را مدّنظر دارد (علوی‌تبار، ۱۳۷۹). هومنز رفتارها را نتیجه‌ی محاسبه‌ی سود و زیان تلقّی می‌کند. رفتار مشارکتی هنگامی نهادی می‌شود که منافع حاصل از آن بر هزینه‌ها فزونی داشته باشد (توسلی، ۱۳٦۹). ماکس وبر نیز بر نظام باورها، گرایش‌ها و تأثیرات آن‌ها بر مشارکت تأکید دارد (روشه، ۱۳۷٤).

نظریّه‌های نابه‌سامانی، از خودبیگانگی و بی‌قدرتی، خصایصی چون احساس بی‌قدرتی و نابه‌سامانی فردی را متأثّر از شرایط اجتماعی می‌دانند. هرچه میزان این احساس در میان افراد بیش‌تر باشد، احتمال ورود آنان به فعّالیّت‌های جمعی و مشارکتی کاهش می‌یابد. بیگانگی سیاسی و اجتماعی عوارضی چون بی‌تفاوتی، انفعال و بی‌طرفی را در پی دارد که خود موجب دوری از اجتماع و جامعه و عدم امکان بروز رفتارهای مشارکتی می‌شود (محسنی، ۱۳۸۰). کنش دربرگیرنده‌ی حالات احساسی، فکری و رفتاری است و بر اساس الگوهای جمعی ساخت‌یابی شده، جهت‌گیری می‌شود. به عقیده‌ی هانتینگتون، در جوامعی که زندگی گروهی و فعّالیّت‌های جمعی گسترش زیادی ندارد، نوسازی با کاهش مشارکت همراه است. به این ترتیب باید نگرش‌ها و وجود نخبگان و وضع انجمن‌ها، نهادها و گروه‌های واسط را از پیش‌زمینه‌های مشارکت اجتماعی برشمرد (هانتینگتون، ۱۳۷۵). هابرماس نیز در نظریّه‌ی خود شکل‌گیری حوزه‌ی عمومی و گفتمان خردمندانه را بستری مناسب برای افکار عمومی و مشارکت دانسته است (هابرماس، ۱۹۹۲).

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

هنگامی که کنش‌گران برای بحث و گفتگو درباره‌ی مسائل مورد علاقه‌ی خود گرد هم می‌آیند، احساس تعلّق و وابستگی و وفاق جمعی به‌وجود می‌آید که مقدّمه‌ای برای رفتارهای جمعی است و زمینه را برای توسعه‌ی اجتماعی از طریق مشارکت فراهم می‌سازد.

با توجّه به یک چارچوب نظری ترکیبی که حاصل ترکیب نتایج پژوهش‌های پیشین و شاخص‌های مربوط به مشارکت اجتماعی است، متغیّرهای مستقلّی که می‌توانند بر مشارکت اجتماعی به‌ویژه مشارکت در امر ایجاد فضاهای آموزشی اثرگذار باشند، در جدول شماره‌ی یک نشان داده شده‌اند. بر اساس ترکیب نظریّات و پژوهش‌های مختلف، مجموعه‌ی این شاخص‌های اجتماعی از مهم‌ترین مقوله‌هایی هستند که از لحاظ جامعه‌شناختی بر مشارکت اجتماعی افراد در یک جامعه مؤثّرند.

جدول شماره‌ی یک- شاخص‌ها و متغیّرهای مؤثّر بر مشارکت

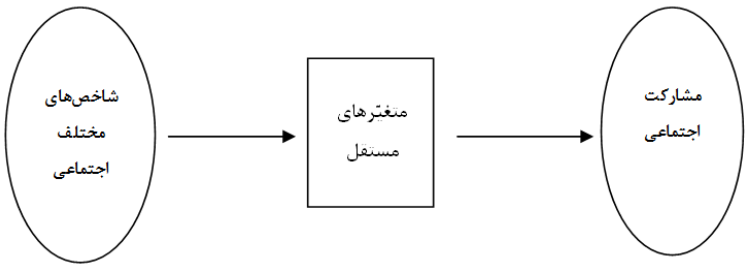
ردیف	شاخص‌ها و متغیّرها
١	اعتماد
٢	آگاهی
٣	اطّلاعات
٤	اعتقاد و باور به مشارکت
٥	بُعد سازمانی مشارکت
٦	سطح تحصیلات
٧	منزلت شغلی افراد
٨	سطح درآمد
٩	پایگاه اقتصادی- اجتماعی
١٠	رسانه‌های گروهی
١١	دین و مذهب
١٢	شهرنشینی
١٣	زمینه‌های عقیدتی و ارزشی
١٤	هزینه- فایده‌ی مشارکت
١٥	احساس ارزشمندی
١٦	همکاری نهادها
١٧	احترام به مشارکت‌کننده
١٨	ایدئولوژی مشارکت در جامعه
١٩	احساس تعهّد در زمینه‌ی مشارکت
٢٠	سوابق فردی در زمینه‌ی مشارکت
٢١	سنّ افراد
٢٢	جنسیّت
٢٣	تعلّق اجتماعی افراد

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

جدول شماره‌ی یک- شاخص‌ها و متغیّرهای مؤثّر بر مشارکت

ردیف	شاخص‌ها و متغیّرها
٢٤	پژوهش و توسعه‌ی فرهنگ مشارکت
٢٥	ایجاد انگیزش مشارکت در جامعه
٢٦	از بین بردن شکاف بین مردم و مسؤولان
٢٧	توجّه به معنویّات
٢٨	آگاهی از چگونگی و انواع مشارکت
٢٩	احساس امنیّت اجتماعی
٣٠	حمایت اجتماعی
٣١	ایجاد تعاونی‌ها (به‌ویژه برای مدرسه‌سازان)

شاخص‌های ارائه‌شده در جدول شماره‌ی یک، از جمله ابعاد مهمّ اجتماعی و اقتصادیِ مؤثّر بر مشارکت اجتماعی هستند که به صورت شکل شماره‌ی دو (مدل پژوهش) نشان داده شده‌اند.



شکل شماره‌ی دو- مدل پژوهش

اهداف پژوهش

بررسی دلایل مشارکت و همیاری مردم در توسعه‌ی فضاهای آموزشی در استان مازندران.

سؤالات ویژه‌ی پژوهش

۱. آیا دلایل اقتصادی بر مشارکت و همیاری مردم در توسعه‌ی فضاهای آموزشی، تأثیر دارد؟

۲. آیا دلایل اجتماعی بر مشارکت و همیاری مردم در توسعه‌ی فضاهای آموزشی، تأثیر دارد؟

۳. آیا دلایل فرهنگی بر مشارکت و همیاری مردم در توسعه‌ی فضاهای آموزشی، تأثیر دارد؟

٤. کدام‌یک از دلایل بر مشارکت و همیاری مردم در توسعه‌ی فضاهای آموزشی، تأثیر بیش‌تری دارد؟

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

روش تحقیق

پژوهش حاضر با توجّه به هدف تحقیق که بررسی دلایل مشارکت و همیاری مردم در توسعه‌ی فضاهای آموزشی در استان مازندران است، از لحاظ هدف، کاربردی، از نظر موقعیّت، میدانی و از نوع توصیفی (زمینه‌یابی)، و از نظر زمانی نیز آینده‌نگر است. جامعه‌ی آماری این طرح شامل کلیّه‌ی خیّرین مدرسه‌ساز، مدیران، کارشناسان مسؤول و کارشناسان مرتبط با فعّالیّت مدرسه‌سازی در سطح استان مازندران در سال ۱۳۹۲ است که اطّلاعات آن‌ها از دفتر مشارکت‌های مردمی اداره کلّ نوسازی استان مازندران به تفکیک نواحی آموزش و پرورش استان، اخذ شده است. چون فهرست دقیق و کاملی از خیّرین مدرسه‌ساز و کارکنان صاحب‌نظر در این امر، در اداره کلّ آموزش و پرورش و اداره کلّ نوسازی مدارس استان و نواحی وجود نداشت، برای حداقل کردن خطا و محاسبه‌ی بهینه‌ی حجم نمونه‌ی نهایی از نمونه‌گیری بدون چارچوب با بهره‌گیری از فرمول فاصله‌ی اطمینان، استفاده شده است؛ به‌گونه‌ای که ابتدا حجم نمونه‌ی نهایی محاسبه گردید و در مرحله‌ی بعد با مراجعه به نواحی آموزش و پرورش و مجمع خیّرین موجود در شهرستان‌ها، بر اساس نظر دفتر مشارکت‌های مردمی به تعداد خیّر ثبت‌شده‌ای که دارای فعّالیّت بیش‌تری بوده‌اند، نمونه به شهرستان‌ها اختصاص یافت که در نهایت ۴۹۱ نفر به‌عنوان نمونه‌ی نهایی تحقیق انتخاب شدند.

چون پرسش‌نامه‌ی استانداردی برای دریافت داده‌های پژوهش وجود نداشته، محقّق با مطالعه در مبانی نظری و پژوهشی، به ساختن پرسش‌نامه‌ی بسته‌پاسخ اقدام کرده است. پرسش‌نامه در دو بخش تنظیم شده است؛ بخش اوّل، حاوی سؤالاتی درباره‌ی مشخّصات فردی و بخش دوم نیز شامل پرسش‌هایی درباره‌ی بررسی دلایل مشارکت و همیاری مردم در توسعه‌ی فضاهای آموزشی در استان مازندران است.

مقیاس و واحد اندازه‌گیری در این پژوهش، بر اساس مقیاس طبقه‌ای مرتّب‌شده یا مقیاس ترتیبی است؛ به این صورت که در برابر هر عبارت، یک طیف پنج‌گزینه‌ای لیکرت متشکّل از خیلی زیاد، زیاد، متوسّط، کم و خیلی کم، قرار دارد که برای دریافت نظرات در اختیار نمونه‌های پژوهش قرار گرفت.

یافته‌ها

همان گونه که بیان شد، هریک از عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی از تعدادی گویه با طیف رتبه‌ای پنج‌گزینه‌ای تشکیل شده‌اند. از این رو، حداقل و حداکثر ممکن آن‌ها با هم متفاوت

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

بوده و قابل محاسبه است و هریک از ابعاد سه‌گانه‌ی تحقیق می‌توانند امتیازی بین این دو عدد را به خود اختصاص دهند. بنابراین در بخش استنباط نوع برخورد با این ابعاد همانند داده‌های کمّی است.

هم‌چنان که در اصول تئوری آمار آمده است، سنجش و آزمون متغیّرها در دو حالت پارامتریک و ناپارامتری است و یکی از اساسی‌ترین قسمت‌های هر تحقیق، انتخاب روش مورد بررسی است. در این تحقیق ابتدا آزمون نرمالیتی برای سه عاملِ مورد بررسی به‌عمل می‌آید و بر اساس نتیجه، یکی از روش‌های پارامتریک یا ناپارامتری برای رسیدن به نتیجه برگزیده می‌شود.

الف) عامل اقتصادی

عامل اقتصادی از ۵ گویه تشکیل شده و امتیاز آن حداقل ۵ و حداکثر ۲۵ است. حدّ وسط آن نیز با در نظر گرفتنِ ۳ امتیاز برای هر سؤال، ۱۵ است. بر این اساس، برای عامل اقتصادی فرضیّه‌ی زیر بیان و بررسی می‌شود:

پاسخ‌گویان موافق تأثیر عامل اقتصادی بر مشارکت در توسعه‌ی فضای آموزشی نیستند. $H_0: P \leq 0.6 \equiv$

پاسخ‌گویان موافق تأثیر عامل اقتصادی بر مشارکت در توسعه‌ی فضای آموزشی هستند. $H_1: P > 0.6 \equiv$

(a) با توجّه به این که عامل اقتصادی نیز دارای توزیع نرمال نیست، برای انجام آزمون از روش آزمون دوجمله‌ای استفاده می‌شود که یک روش ناپارامتری است. در این روش نمونه‌ها به دو گروه موافق و ناموافق با نقطه برش ۱۵ تقسیم شده‌اند و نسبت مورد بررسی نیز ۰.۶ است. دلیل عدد ۰.۶ آن است که ۳ پاسخ از ۵ پاسخِ خیلی کم تا خیلی زیاد در ناموافق قرار می‌گیرد؛ بدین معنا که افرادی که نظر خیلی کم، کم و متوسّط دارند، با موضوع مطرح‌شده موافق نیستند. بنابراین، کسر مورد بررسی یا نسبت آزمون $\boldsymbol{p_0 = \frac{3}{5} = 0.6}$ است. در جداول زیر نتیجه‌ی توصیف و آزمون فرضیّه‌ی مورد بررسی، آمده است.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

جدول شماره‌ی دو- نتیجه‌ی توصیف و آزمون سنجش اثرگذاری عامل اقتصادی بر مشارکت در توسعه‌ی فضای آموزشی

عامل اقتصادی	تعداد نمونه	میانگین	انحراف معیار	مینیمم	ماکزیمم
	۴۹۱	۲۰.۲۳	۳.۰۷	۱۱	۲۵

آزمون دوجمله

		دسته‌بندی	تعداد	نسبت مشاهدات	نسبت آزمون	میزان معنی‌داری
عامل اقتصادی	گروه اوّل	<= ۱۵	۴۸	۰.۰۹۸	۰.۶	۰.۰۰۰[a]
	گروه دوم	> ۱۵	۴۴۳	۰.۹۰۲		
	کل		۴۹۱	۱		

بر اساس اطّلاعات جدول اوّل، نتیجه‌ی توصیفی میانگین محاسبه‌شده ۲۰.۲۳ از ۲۵ امتیاز ممکن است و میانگین نظری نیز ۱۵ است. بر این اساس بالا بودن میانگین محاسبه‌شده، نشان‌دهنده‌ی تأثیر عامل اقتصادی بر مشارکت و توسعه‌ی فضای آموزشی است.

برای بررسی استنباطی نیز از جدول دوم استفاده می‌شود. در این جدول، نمونه‌ها بر اساس امتیاز کسب‌شده، به دو گروه تقسیم شدند؛ در گروه اوّل افرادی قرار می‌گیرند که مجموع امتیاز ۵ گویه‌ی آن‌ها کم‌تر از ۱۵ است و در نتیجه با اثرگذاری عامل اقتصادی موافق نیستند. در گروه دوم نیز افرادی قرار دارند که مجموع امتیاز ۵ گویه‌ی عامل اقتصادی آن‌ها بیش‌تر از ۱۵ است و با اثرگذاری عامل اقتصادی موافق هستند. بر اساس اطّلاعات جدول، تعداد افراد موافق با اثر عامل اقتصادی (گروه دوم) ۴۴۳ نفر از ۴۹۱ نفر است؛ یعنی نسبت افراد موافق $\hat{p} = 0.902$ است، ولی مبنای تصمیم‌گیری در این جدول و آزمون‌های آماری، میزان معنی‌داری (Sig.=0.000) است. چون میزان معنی‌داری در جدول بالا کم‌تر از ۰.۰۵ است، نتیجه می‌گیریم که فرض اوّلیّه با شدّت زیاد رد شده و می‌توان گفت عامل اقتصادی بر مشارکت و توسعه‌ی فضای آموزشی مؤثّر است.

ب) عامل اجتماعی

این عامل از ۸ گویه تشکیل شده و امتیاز آن حداقل ۸ و حداکثر ۴۰ است. حدّ وسط آن نیز با در نظر گرفتنِ ۳ امتیاز برای هر سؤال، ۲۴ است. بر این اساس، برای عامل اجتماعی فرضیّه‌ی زیر را بیان و بررسی می‌کنیم:

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

پاسخ‌گویان موافق تأثیر عامل اجتماعی بر مشارکت در توسعه‌ی فضای آموزشی نیستند. $H_0: P \leq 0.6 \equiv$

پاسخ‌گویان موافق تأثیر عامل اجتماعی بر مشارکت در توسعه‌ی فضای آموزشی هستند. $H_1: P > 0.6 \equiv$

(*b*) با توجّه به این که عامل اجتماعی نیز دارای توزیع نرمال نیست، برای انجام آزمون از روش آزمون دوجمله‌ای استفاده می‌شود که یک روش ناپارامتری است. در این روش نمونه‌ها به دو گروه موافق و ناموافق با نقطه برش ۲٤ تقسیم شده‌اند و نسبت مورد بررسی نیز ۰.٦ است. در جداول زیر نتیجه‌ی توصیف و آزمون فرضیّه‌ی مورد بررسی، آمده است.

جدول شماره‌ی سه- نتیجه‌ی توصیف و آزمون سنجش اثرگذاری عامل اجتماعی بر مشارکت در توسعه‌ی فضای آموزشی

عامل اجتماعی	تعداد نمونه	میانگین	انحراف معیار	مینیمم	ماکزیمم
	٤۹۱	۳۳.۲۷	٤.۰۷	۲۰	٤۰

آزمون دوجمله

		دسته‌بندی	تعداد	نسبت مشاهدات	نسبت آزمون	میزان معنی‌داری
عامل اجتماعی	گروه اوّل	۲٤ =<	۲۲	۰.٤۵	۰.٦	۰.۰۰۰[a]
	گروه دوم	۲٤ <	٤٦۹	۰.۹۵۵		
	کل		٤۹۱	۱		

در جدول اوّل، نتیجه‌ی توصیفی میانگین محاسبه‌شده ۳۳.۲۷ از ٤۰ امتیاز ممکن است و میانگین نظری نیز ۲٤ است. بنابراین به لحاظ توصیفی، تأثیر عامل اجتماعی **بر** مشارکت و توسعه‌ی فضای آموزشی پذیرفته شده است.

برای بررسی استنباطی نیز از جدول دوم استفاده می‌شود. در این جدول، نمونه‌ها بر اساس امتیاز کسب‌شده، به دو گروه تقسیم شدند؛ در گروه اوّل، افرادی قرار دارند که مجموع امتیاز ۸ گویه‌ی آن‌ها کم‌تر از ۲٤ است و در نتیجه با اثرگذاری عامل اجتماعی موافق نیستند. در گروه دوم نیز افرادی قرار می‌گیرند که مجموع امتیاز ۸ گویه‌ی آن‌ها بیش‌تر از ۲٤ است و با اثرگذاری عامل اجتماعی موافق هستند. بر اساس اطّلاعات جدول، تعداد افراد موافق با اثر عامل اجتماعی (گروه

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

دوم) ٤٦٩ نفر از ٤٩١ نفر است؛ یعنی، نسبت افراد موافق $\hat{p} = 0.955$ است. مبنای تصمیم‌گیری در این جدول نیز میزان معنی‌داری (Sig.=0.000) است. چون میزان معنی‌داری در جدول بالا کم‌تر از ۰.۰۵ است، فرض اوّلیّه با شدّت زیاد رد می‌شود و نتیجه می‌گیریم که عامل اجتماعی بر مشارکت و توسعه‌ی فضای آموزشی مؤثّر است.

ج) عامل فرهنگی

همانند دو عامل پیشین، برای بررسی تأثیر عامل فرهنگی بر مشارکت در توسعه‌ی فضای آموزشی، امتیاز ۷ گویه‌ی تشکیل‌دهنده‌ی آن را جمع زده‌ایم که نتیجه برای هر پاسخ‌گو حداقل ۷ و حداکثر ۳۵ است. حدّ وسط آن نیز با در نظر گرفتنِ ۳ امتیاز برای هر سؤال، ۲۱ است. بر این اساس، برای عامل فرهنگی فرضیّه‌ی زیر مطرح می‌شود و مورد آزمون قرار می‌گیرد:

پاسخ‌گویان موافق تأثیر عامل فرهنگی بر مشارکت در توسعه‌ی فضای آموزشی نیستند. $H_0: P \leq 0.6 \equiv$

پاسخ‌گویان موافق تأثیر عامل فرهنگی بر مشارکت در توسعه‌ی فضای آموزشی هستند. $H_1: P > 0.6 \equiv$

(c) با توجّه به این که عامل فرهنگی نیز دارای توزیع نرمال نیست، برای انجام آزمون از روش آزمون دوجمله‌ای استفاده می‌شود که یک روش ناپارامتری است. در این روش نمونه‌ها به دوگروه موافق و ناموافق با نقطه برش ۲۱ تقسیم شده‌اند و نسبت مورد بررسی نیز ۰.٦ است. در جداول زیر نتیجه‌ی توصیف و آزمون فرضیّه‌ی مورد بررسی، آمده است.

جدول شماره‌ی چهار- نتیجه‌ی توصیف و آزمون سنجش اثرگذاری عامل فرهنگی بر مشارکت در توسعه‌ی فضای آموزشی

	تعداد نمونه	میانگین	انحراف معیار	مینیمم	ماکزیمم
عامل فرهنگی	٤٩١	۲۹.٤۰	۳.۸۲	۱۲	۳۵

آزمون دوجمله

		دسته‌بندی	تعداد	نسبت مشاهدات	نسبت آزمون	میزان معنی‌داری
عامل فرهنگی	گروه اوّل	<= ۲۱	۲٦	۰.۰۵۳	۰.٦	۰.۰۰۰[a]
	گروه دوم	> ۲۱	٤٦۵	۰.۹٤۷		
	کل		٤۹۱	۱		

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

در جدول اوّل، نتیجه‌ی توصیفی و میانگین محاسبه‌شده برای این عامل ۲۹.٤۰ از ۳۵ امتیاز ممکن است و میانگین نظری نیز ۲۱ است. بنابراین همان گونه که پیش‌تر بیان شده بود، به لحاظ توصیفی تأثیر عامل فرهنگی نیز بر مشارکت و توسعه‌ی فضای آموزشی پذیرفته می‌شود.

برای نتیجه‌گیری قطعی از بررسی استنباطی و اطّلاعات جدول دوم استفاده می‌شود. در این جدول، نمونه‌ها بر اساس امتیاز کسب‌شده به دو گروه تقسیم شدند؛ در گروه اوّل، افرادی قرار دارند که مجموع امتیاز ۷ گویه‌ی آن‌ها کم‌تر از ۲۱ است و در نتیجه با اثرگذاری عامل فرهنگی موافق نیستند. در گروه دوم نیز افرادی قرار می‌گیرند که مجموع امتیاز ۷ گویه‌ی آن‌ها بیش‌تر از ۲۱ است و با اثرگذاری عامل فرهنگی موافق هستند. بر اساس اطّلاعات جدول، تعداد افراد موافق با اثر عامل فرهنگی (گروه دوم) ٤٦۵ نفر از ٤۹۱ نفر است؛ یعنی، نسبت افراد موافق $\hat{p} = 0.947$ است، ولی مبنای تصمیم‌گیری در آزمون فرض آماری، میزان معنی‌داری (Sig.=0.000) است. چون این میزان در جدول بالا کم‌تر از ۰.۰۵ است، فرض اوّلیّه با شدّت زیاد رد می‌شود و می‌توان نتیجه گرفت که عامل فرهنگی بر مشارکت و توسعه‌ی فضای آموزشی مؤثّر است.

رتبه‌بندی عوامل

پس از بررسی قطعی و استنباطی سنجش تأثیر عوامل سه‌گانه‌ی تحقیق (اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی) بر مشارکت در توسعه‌ی فضای آموزشی سطح استان، به بررسی و رتبه‌بندی عوامل سه‌گانه می‌پردازیم. با توجّه به این که تعداد گویه‌های تشکیل‌دهنده‌ی عوامل یکسان نیست، ابتدا عوامل سه‌گانه را هم‌سنگ کرده، همه را بر مبنای ۱۰۰ می‌بریم تا قابلیّت مقایسه به صورت توصیفی و استنباطی را داشته باشند.

برای بررسی فرضیّه و سنجش یکسان بودن اثر عوامل نیز سه عامل را برای یک فرد مرتّب کرده، رتبه‌ی ۱ را به کم‌ترین امتیاز و رتبه‌ی ۳ را به بیش‌ترین امتیاز می‌دهیم. این عمل را برای کلّ افراد تکرار می‌کنیم تا رتبه‌ی عوامل برای همه‌ی پاسخ‌گویان تعیین شود. سپس این فرضیّه را که سه عاملِ مورد بررسی به یک اندازه بر مشارکت در توسعه‌ی فضای آموزشی سطح استان مؤثّرند، آزمون می‌کنیم. بر این اساس و با توجّه به مطالب بیان‌شده، آزمون فرضیّه‌ی مورد بررسی، به صورت زیر است:

H_0: عوامل سه‌گانه به یک اندازه بر مشارکت در توسعه‌ی فضای آموزشی سطح استان مؤثّر هستند.

H_1: عوامل سه‌گانه به یک اندازه بر مشارکت در توسعه‌ی فضای آموزشی سطح استان مؤثّر نیستند.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

روش مورد استفاده در این آزمون روش فریدمن است. نتیجه‌ی این آزمون در ذیل آمده است:

جدول شماره‌ی پنج- توصیف و آزمون مربوط به فرضیّه‌ی یکسان بودن اثر عوامل سه‌گانه بر مشارکت در توسعه‌ی فضای آموزشی سطح استان

ابعاد	تعداد نمونه	میانگین	انحراف معیار	مینیمم	ماکزیمم
عامل اقتصادی (بر مبنای۱۰۰)	٤٩١	٨٠.٩٠	١٢.٢٧	٤٤	١٠٠
عامل اجتماعی (بر مبنای۱۰۰)	٤٩١	٨٣.١٧	١٠.١٦	٥٠	١٠٠
عامل فرهنگی (بر مبنای۱۰۰)	٤٩١	٨٤.٠١	١٠.٩٢	٣٤	١٠٠

جدول رتبه‌ها

	میانگین رتبه‌ها
بعد فرهنگی	٢.١٨
بعد اجتماعی	٢.٠٠
بعد اقتصادی	١.٨٢

نتیجه‌ی آزمون

N	٤٩١
خی دو χ^2	٣٣.١٧٧
Df	١
معنی‌داری	٠/٠٠٠

بر اساس نتیجه و میزان معنی‌داری (Asymp.sig. <0.05) که برابر صفر است، فرض H_0 یا یکسان بودن اثر عوامل سه‌گانه، با شدّت زیاد رد می‌شود و با توجّه به جدول رتبه‌بندی اولویّت عوامل بر اساس میانگین رتبه‌ها به صورت زیر است:

۱. بعد فرهنگی

۲. بعد اجتماعی

۳. بعد اقتصادی

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با توجّه به هدف تحقیق که بررسی دلایل مشارکت و همیاری مردم در توسعه‌ی فضاهای آموزشی در استان مازندران است، از لحاظ هدف، کاربردی، از نظر موقعیّت، میدانی و از نوع توصیفی (زمینه‌یابی)، و از نظر زمانی نیز آینده‌نگر است. بر پایه‌ی نتایج این پژوهش می‌توان گفت که با توجّه به اطّلاعات توصیفی و نظر پاسخ‌گویان در بخش عامل اقتصادی برخورداری از موقعیّت و جایگاه اقتصادی مناسب، بیش‌ترین اثر را بر مشارکت و توسعه‌ی فضای آموزشی می‌گذارد. نتایج نشان داده است که حدود ۵۵ درصد از پاسخ‌گویان، موافق تأثیر این عامل بر مشارکت در توسعه‌ی فضاهای آموزشی در حدّ خیلی زیاد هستند. در مجموع، حدود ۸۱ درصد با تأثیر عامل اقتصادی موافق (زیاد و خیلی زیاد) هستند و فقط حدود ۹ درصد از پاسخ‌گویان تأثیر آن را متوسّط و پایین‌تر ارزیابی کرده‌اند؛ این بدان معناست که دلایل اقتصادی بر مشارکت و همیاری مردم در توسعه‌ی فضاهای آموزشی، تأثیر زیادی دارد. بنا بر این دلیل، حضور آگاهانه و مختارانه‌ی اقشار مختلف مردم در زمینه‌ی تولید، پس‌انداز و سرمایه‌گذاری بیش‌تر و مطلوب‌تر، توزیع مناسب و عادلانه، استفاده‌ی عقلانی و بهینه از منابع مادی و طبیعی و کالاهای مورد نیاز زندگی و صرفه‌جویی در استفاده از منابع کمیاب زندگی است. این نتیجه با نتایج رضوی‌زاده (۱۳۸۹)، متین (۱۳۸۲) و عبّاسی (۱۳۸۵) هم‌خوانی دارد. بنابراین با تلفیق و ترکیب نتایج پژوهش‌ها می‌توان چنین نتیجه گرفت که مشارکت اقتصادی و همیاری مردم در توسعه‌ی فضاهای آموزشی، از حدّ متوسّط بیش‌تر است و این نتیجه‌ی کلّی را می‌توان به جامعه‌ی آماری تعمیم داد.

نتیجه‌ی دوم این پژوهش آن است که عامل اجتماعی و افزایش آگاهی مردم می‌تواند تأثیر زیادی بر مشارکت در توسعه‌ی فضاهای آموزشی داشته باشد. جدول گروه‌بندی عامل اجتماعی نشان داده است که حدود ٥٤ درصد از پاسخ‌گویان، موافق تأثیر عامل اجتماعی بر مشارکت و توسعه‌ی فضاهای آموزشی در حدّ خیلی زیاد هستند. در مجموع، بر اساس اطّلاع ستون تجمّعی حدود ۸۱ درصد با تأثیر عامل اجتماعی موافق (زیاد و خیلی زیاد) هستند و فقط حدود ۹.٤ درصد از پاسخ‌گویان تأثیر آن را متوسّط و پایین‌تر ارزیابی کرده‌اند. بنابراین به لحاظ توصیفی، عامل اجتماعی نیز همانند عامل اقتصادی تأثیر زیادی بر مشارکت در توسعه‌ی فضاهای آموزشی دارد. با توجّه به این نظریّه می‌توان گفت که مشارکت در سیاست‌ها و فعّالیّت‌های سازمان‌های اجتماعی، وظیفه‌ی شهروند فعّال است و صرفاً وسیله‌ای برای تأمین نیازها و منافع شخصی یا کسب فایده نیست. فعّالیّت اجتماعی و سیاسی در ذات خود، فضیلت و متمایزکننده‌ی حیات انسانی از سایر

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

اَشکال حیات است. این نتیجه با نتایج رضوی‌زاده (۱۳۸۹)، متین (۱۳۸۲) و عبّاسی (۱۳۸۵) هم‌خوانی دارد. بنابراین با تلفیق و ترکیب نتایج پژوهش‌ها می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که مشارکت اجتماعی و همیاری مردم در توسعه‌ی فضاهای آموزشی، از حدّ متوسّط بیش‌تر است و این نتیجه‌ی کلّی را می‌توان به جامعه‌ی آماری تعمیم داد.

نتیجه‌ی سوم تحقیق حاضر آن است که عامل فرهنگی و مذهبی نیز در جامعه می‌تواند موجب افزایش مشارکت و توسعه‌ی فضاهای آموزشی شود. جدول بررسی و گروه‌بندی عامل فرهنگی بیانگر آن است که حدود ۵۵ درصد از پاسخ‌گویان، موافق تأثیر عامل فرهنگی بر مشارکت و توسعه‌ی فضاهای آموزشی در حدّ خیلی زیاد هستند. در مجموع، بر اساس اطّلاع ستون تجمّعی حدود ۸۱ درصد با تأثیر عامل فرهنگی موافق (زیاد و خیلی زیاد) هستند و فقط حدود ۹.٤ درصد از پاسخ‌گویان تأثیر آن را متوسّط و پایین‌تر ارزیابی کرده‌اند. این بدان معناست که دلایل فرهنگی بر مشارکت و همیاری مردم در توسعه‌ی فضاهای آموزشی، تأثیر زیادی دارد و عواملی چون اعتقاد و باور به مشارکت، زمینه‌های عقیدتی و مذهبی و توجّه به معنویّات و ارزش‌های ملّی می‌توانند زمینه‌ساز مشارکت بیش‌تر مردم در ساخت و توسعه‌ی فضاهای آموزشی باشند. این نتیجه با نتایج متین (۱۳۸۲)، عبّاسی (۱۳۸۵) و بهبودی (۱۳۸۷) هم‌خوانی دارد. بنابراین با تلفیق و ترکیب نتایج پژوهش‌ها می‌توان چنین نتیجه گرفت که مشارکت فرهنگی و همیاری مردم در توسعه‌ی فضاهای آموزشی، از حدّ متوسّط بیش‌تر است و این نتیجه‌ی کلّی را می‌توان به جامعه‌ی آماری تعمیم داد.

پس از بررسی سنجش تأثیر عوامل سه‌گانه‌ی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بر مشارکت در توسعه‌ی فضای آموزشی سطح استان، نتایج رتبه‌بندی عوامل سه‌گانه نیز حاکی از رد شدن اثر یکسان این عوامل در مشارکت بوده است. بنابراین با توجّه به جدول رتبه‌بندی اولویّت عوامل بر اساس میانگین رتبه‌ها به صورت زیر است:

۱. بعد فرهنگی

۲. بعد اجتماعی

۳. بعد اقتصادی

امروزه در کشور ما مشارکت مردم در امر تعلیم و تربیت، بیش از هر زمان دیگری ضرورت یافته است. این امر از یک‌سو به اهمّیّت آموزش و پرورش و نقش مهمّ آن در توسعه‌ی ملّی کشور و از سوی دیگر، به ناکافی بودن بودجه و امکانات دولت – علی‌رغم بیش‌ترین حجم سرمایه‌گذاری ملّی در این بخش– مربوط می‌شود. موقعیّت سرمایه‌گذاری دولت در امر آموزش و پرورش، کشور ما را

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

جزء بیست کشور موقعیّت اوّل جهان که بالاترین سهم بودجه‌ی خویش را صرف بخش آموزش و پرورش کرده‌اند، قرار داده است. این در حالی است که در مقایسه‌ی تطبیقی بین‌المللی از نظر سهم سرانه‌ی دانش‌آموزی با توجّه به جمعیّت گسترده‌ی دانش‌آموزان، کشور ما رتبه هفتادم را داراست. این امر به‌خوبی نشان می‌دهد که علی‌رغم سرمایه‌گذاری وسیع دولت در امر آموزش و پرورش، به سبب عدم بهره‌گیری از مشارکت‌های مردمی در این بخش مهم، وضعیّت توزیع امکانات آموزشی چندان مطلوب نیست. اگر واقعاً به آموزش و پرورش به‌عنوان محور توسعه‌ی ملّی معتقد باشیم و بدانیم که امروزه کشورهایی که با عزم راسخ ملّی، سرمایه‌گذاری اصلی و و برنامه‌ریزی اساسی خویش را به تقویت و تحکیم پایه‌های این بخش مهم اختصاص داده‌اند، در شاخص‌های توسعه به توفیقات مهمّی دست یافته‌اند، قطعاً به برنامه‌ریزی اصولی و سرمایه‌گذاری زیربنایی برای امر آموزش و پرورش در کشور، بیش‌تر توجّه خواهیم کرد.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

منابع

۱. پناهی، حسین (۱۳۸۳) «اثر ویژگی‌های فردی و مشارکت اجتماعی»، **فصلنامه‌ی علوم اجتماعی**، شماره‌ی ۲۶.

۲. جهانیان، رمضان (۱۳۸۹) «بررسی راه‌های ایجاد و تقویت مشارکت مردم در آموزش و پرورش»، **فصلنامه‌ی اندیشه‌های تازه در علوم تربیتی**، سال پنجم، شماره‌ی ۳.

۳. رضادولت، کریم و همکاران (۱۳۸۸) «بررسی عوامل مؤثّر در مشارکت اجتماعی شهروندان»، **جامعه‌شناسی کاربردی**، سال بیستم، شماره‌ی ۳ (پیاپی ۳۵)، صص ۹۷-۱۱۰.

۴. روشه، کی (۱۳۷٤) **کنش اجتماعی**، ترجمه‌ی هما زنجانی‌زاده و احمدرضا غروی‌زاد، انتشارات دانشگاه فردوسی.

۵. طوسی، محمّدعلی (۱۳۷۰) «مشارکت به چه معناست؟»، **مدیریّت دولتی**، دوره‌ی جدید، شماره‌ی ۱۳.

۶. عبّاسی، امین (۱۳۸۵) «**راه‌های افزایش مشارکت مردمی در آموزش و پرورش اصفهان از دیدگاه مدیران و اعضای انجمن اولیا و مربّیان**»، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشکده‌ی علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه اصفهان.

۷. علوی‌تبار، علیرضا (۱۳۸۲) **مشارکت در اداره‌ی امور شهرها**، جلد ۱، انتشارات سازمان شهرداری‌های کشور.

۸. ــــــــــــــ (۱۳۸۰) **راهکارهای افزایش مشارکت مردمی در اداره‌ی امور شهر**، تهران: سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور.

۹. ــــــــــــــ (۱۳۷۹) **الگوهای مشارکت شهروندان**، مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی وزارت کشور.

۱۰. غفّاری، غلامرضا (۱۳۷۹) «**تبیین عوامل فرهنگی و اجتماعی مؤثّر بر مشارکت اجتماعی به‌عنوان مکانیزمی در توسعه‌ی روستایی ایران**»، رساله‌ی دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه تهران.

۱۱. غفّاری، غلامرضا و جمشیدزاده، ابراهیم (۱۳۹۰) **مشارکت‌های مردمی و امور شهری: بررسی موانع، مشکلات و راهکارهای توسعه‌ی مشارکت‌های مردمی**، انتشارات جامعه و فرهنگ.

۱۲. غفّاری، غلامرضا و محسن نیازی (۱۳۸٦) **جامعه‌شناسی مشارکت**، نشر نزدیک.

۱۳. قاسمی پویا، اقبال (۱۳۸۰) «موانع و راه‌های توسعه‌ی مشارکت مردم در امور آموزش و پرورش»، **همایش اصلاحات در آموزش و پرورش**.

۱۴. ــــــــــــــ (۱۳۸۰) **مشارکت مردمی در آموزش و پرورش**، پژوهشکده‌ی تعلیم و تربیت.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

۱۵. گیدنز، آنتونی (۱۳۸۰) **پیامدهای مدرنیت**، ترجمه‌ی محسن ثلاثی، تهران: مرکز.

۱۶. ـــــــــــ (۱۳۷۳) **جامعه‌شناسی**، ترجمه‌ی منوچهر صبوری کاشانی، تهران: نی.

۱۷. متین، نعمت‌الله (۱۳۸۲) **بررسی چگونگی راه‌های حصول مشارکت‌های مردمی در مدرسه‌سازی**، سازمان نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس کشور.

۱۸. محسنی، منوچهر و جاراللهی، عذرا (۱۳۸۲) مشارکت اجتماعی در ایران، تهران: آرون.

۱۹. محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۸۰) **آسیب‌شناسی اجتماعی جوانان: بررسی انزوای ارزشی (بیگانگی فرهنگی) و مشارکت فرهنگی در محیط‌های دانشجویی کشور**، مؤسّسه‌ی پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، طرح پژوهشی شماره‌ی ۳٤.

۲۰. ـــــــــــــــ (۱۳۷۵) «بیگانگی مانعی برای مشارکت و توسعه‌ی ملّی»، **نامه‌ی پژوهش**، سال اوّل، شماره‌ی ۱.

۲۱. ـــــــــــــــ (۱۳٦۹) **بررسی زمینه‌های مشارکتی روستاییان و ارتباط آن با ترویج کشاورزی**، وزارت جهاد کشاورزی.

۲۲. وطنی، علی (۱۳۸٦) «**بررسی عوامل مؤثّر بر افزایش انگیزه‌ی افراد در مشارکت اجتماعی در استان گلستان**»، رساله‌ی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی.

۲۳. هانتینگتون، ساموئل (۱۳۷۵) **سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی**، ترجمه‌ی محسن ثلاثی، تهران: علم.

24. Fagerland, Ingemar & Lawrence, J. Saha (2005) **Education and National Development: A Comparative Perspective**, 2nd Eition, Pergamon Press, London.

25. Fukuyama, F (1999) "Social Capital and Civil Society", Paper Presented at: **the conference on second generation reform**, Washington: International Monetary Fund.

26. Giddens, Anthony (1373) **Sociology**, translation M. Sabori Kashani, Tehran: Ney Publication.

27. Giddens, Anthony (1991) **The consequences of modernity**, translation M. Salasi, Second Edition, Tehran.

28. Habermas, J. (1992) Citizenship and National Identity: same Reflections on the future of Europe" in B. S. turner and P. Hamilton, ed., **citizenship critical concepts**, London: Routledge.

29. Lerner, Danial (1964) **The passing of traditional society**, New York, The Macmillan.

30. Ritzer, George (1984) **Theory of society**, Translated by Ahmad reza Qa'ravi Zadeh, Tehran, Majid Publication.

31. Ritzer, George (1986) **Contemporary Sociological Theories in the recent period**, Translation Mohsen Salasi, Tehran, scientific publications.

32. Rose K. (1985) **Social action**, Translation Homa Zanjani Zade. Ferdowsi University Press.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]